

## بررسی ۲ فیلم و ۲ کتاب که برای ما یادآور نقطه پایان هستند

# به خط پایان تریک می شوی

محمد پارسا اشرفی

نوجوانه



این باور من است که همیشه شروع هر کار سخت‌ترین قسمت و بخش از یک فرآیند است. شروع‌ها می‌توانند سخت، مبهم و اذیت‌کننده باشند. شما نمی‌دانید چه کنید. نمی‌دانید باید یک پروژه را از کدام بخش آغاز کنید. منتظر می‌مانید به شما الهام شود که داستان‌تان را چطور شروع کنید. اما واقعیت این است وقتی به برنامه و نقشه راهی دست پیدا کنید، ادامه مسیر دیگر آن قدرها آزاردهنده نخواهد بود. پیش خواهید رفت. معمولاً به پایان‌ها زیاد فکر نمی‌کنیم. می‌رویم جلو ببینیم چه می‌شود! امیدواریم ختم به خیر شود. نمی‌دانیم اگر نشد و همه چیز آن‌طور که می‌خواستیم پیش نرفت چه کنیم. کمتر به پایان‌ها فکر می‌کنیم. پایان را بیشتر می‌سپاریم به دست تقدیر تا خودش کاری کند. اما چیزی که از آن باخبر نیستیم این که پایان‌ها را خودمان رقم می‌زنیم. اراده‌مان را دست‌کم می‌گیریم، در حالی که باید برای پایان هم نقشه‌ای داشت. برای آن زمانی که چالشی پیش پای ما قرار می‌گیرد. زمانی که پایان قرار است شروع داستان جدیدی باشد. شاید بهتر باشد کمی دقیق‌تر به اطرافمان نگاه کنیم. به دل قصه‌ها و روایت‌ها کوچ کنیم و ببینیم در دنیای تصور و خیالی که رسانه و ادبیات برای ما می‌سازد چه پایان‌هایی ترسیم شده است. پایان‌هایی که گاهی خوش، غمگین و گاهی باز هستند. پایان‌هایی که شروعی هستند بر اصل ماجرا... با من همراه باشید تا با برخی از این پایان‌ها آشنایان کنم.

### پایانی برنج

ادبیات روسیه برای من بسیار ارزشمند است. احساس می‌کنم نویسندگان روس همیشه فراتر از زمان و مکان زندگی‌شان سیر می‌کردند. دقت این نویسندگان در توصیف، شخصیت‌پردازی و جزئی‌نگری خاصی که دارند، تقریباً آنها را در سطح ادبیات داستانی جهان دست‌نیافتنی می‌کند. یکی از پرچم‌داران به نام ادبیات روسیه، فئودور داستایفسکی است. قلم درخشان او رنگ تازه‌ای به ادبیات قرن نوزدهم روسیه زده و تأثیر انکارناپذیری بر نویسندگان پس از خود داشته است. ویژگی منحصر به فرد آثار او، روان‌کاوی و بررسی زوایای روانی شخصیت‌های داستان است. چیزی که می‌توان به خوبی در داستان‌های انگیزنازنین به خوبی مشاهده کرد. روایتی با طعم فروپاشی یک رابطه عاطفی. داستایفسکی این کتاب را در ۴۵ سالگی نوشت. زمانی که دیگر نویسنده‌ای پخته و کاربلد به حساب می‌آمد. بر خلاف سایر آثارش، برای این کتاب مقدمه نوشت. زیرا برای اولین بار از شیوه سیال ذهن کمک گرفت و احساس می‌کرد تکه‌تکه‌های رای داستان ممکن است برای خواننده مبهم یا گنگ به نظر برسد. داستان حول محور عشقی نافرجام است. عشقی میان دختری ۱۶ ساله با شخصیتی پیچیده که شاید تا آخر این روایت هم خوب نتوانید او را بشناسید و فروشنده‌ای که عادت دارد با خودش صحبت کند و ذاتاً پریشان و عصبی به حساب می‌آید. مسیر عاشقی این دو به بن‌بست تلخی می‌انجامد که فروشنده دلگیر قصد دارد از دل گفت‌وگوهای که با خود و مخاطب دارد، پرده از اسرار بردارد.

### خدا حافظ بیماری

سال ۱۳۹۸ هیچ وقت از حافظه جهان پاک نخواهد شد. سال سخت و پرفشار شیوع ویروسی ناشناخته به نام کرونا. زندگی‌مان را زیر و رو کرد. دیگر نتوانستیم عزیزان‌مان را از نزدیک ببینیم. خیلی از آنها را از دست دادیم. همه‌گیری کرونا و شرایطی که برای هر کدام از ما رقم زد، شبیه فیلم‌ها و آثار ادبی است که حال و هوایی آخرالزمانی دارند. به وحشت افتادیم. تقلا کردیم که زنده بمانیم. با تزریق واکسن پایانی بر این درد متصور شد. دیگر شبیه به یک سرماخوردگی ساده شد. بماند که چه داغ‌ها و معضلاتی به ارث گذاشت. خیلی از نویسندگان از ایده شیوع یک بیماری یا ویروس ناشناخته استفاده کرده و در فضایی تخیلی یا پیش‌گویانه، قصه‌ای خواندنی نقل کردند. جک لندن، نویسنده نام‌آشنای آمریکایی که بیشتر او را با کتاب‌های آوای وحش و سپیددندان می‌شناسند و نگاه تازه‌اش به طبیعت و حیات وحش، از پیشگامان نوشتن داستان درباره شیوع یک بیماری خطرناک است.

او در داستان بلندش با نام «طاعون سرخ» از بیماری مرگباری با منشأ ویروسی ناشناخته سخن می‌گوید که میلیون‌ها انسان و تمام دستاوردهای تمدن چند هزارساله بشر را یکسره نیست و نابود می‌کند.

پروفسور اسمیت سال ۲۰۷۳ از سرزمینی خالی از سکنه پرسه می‌زند و از ۶۰ سال پیش روایت می‌کند. پیرمردی بازمانده از یک بیماری هولناک برای نوه‌هایش از روزگار قبل از طاعون سخن گفته و آنها را ترغیب می‌کند حالا و بعد از پایان و عبور از این بیماری، باید تمدن جدیدی را پایه‌ریزی کنند و امیدشان را برای بقا از دست ندهند.

### صلح ژاپنی

عذاب وجدان یقه شخصیت اصلی داستان را رها نمی‌کند. یک نظامی پیروز در نبرد با سرخپوستان بی‌دفاع آمریکا که حالا باید برای آموزش نظامی سربازان ژاپنی به آنجا برود. آموزش جهت‌درگیری با یک سری یاغی محلی. این مبارزان یاغی چه کسانی هستند؟ سامورایی‌ها! مردانی مقید به آداب و رسوم اصیل ژاپنی که ورود عناصر و پیمان با خارجی‌ها را ننگ می‌دانند. سردسته آنها مردی است به نام کاتسوموتو. او مجبور می‌شود برای دفاع از آرمان‌ها به مقابله با پادشاه و ارتش نه‌چندان قدرتمندش به پا خیزد. حالا ناتان آلگرن، همان نظامی پیروز به سربازان ژاپنی آموزش لازم جهت نبرد با سامورایی‌ها را می‌دهد. در اولین نبرد پایه‌های سربازان ژاپنی می‌جنگد و رهبر سامورایی‌ها را شیفته شجاعت خود می‌کند. سامورایی‌ها او را در حالی که زخمی است به اسارت گرفته و به روستای کوهستانی و آرام خود می‌برند. او چند ماه در آنجا ساکن می‌شود و با سنت‌های تقریباً فراموش شده این قوم آشنا می‌گردد. ناتان شمشیرزنی یاد می‌گیرد و حامی سامورایی‌ها می‌شود. او نمی‌تواند ظلم، بکارگیری سلاح‌های پیشرفته و جنگ

علیه سامورایی‌ها را ببیند و سکوت کند. کاری که روزی در آمریکا و در قبال سرخپوستان انجام داده بود. جنگ سامورایی‌ها که حالا ناتان هم جزئی از آنها شده با ارتش ژاپن، شاید آخرین نبرد برای رسیدن به صلح پایدار باشد. آخرین گریز از دنیای سیاه و آلوده به رنج انسان‌های ضعیف. جنگ با موسیقی غم‌انگیز و بی‌نظیر هانس زیمر به پایان می‌رسد. صلح با به خاک افتادن مردانی شریف رقم می‌خورد...



### رومی در کار نیست

ضرب‌المثلی هست که همه ما احتمالاً شنیده‌ایم: همه راه‌ها به رم ختم می‌شود. این رازمانی به‌کار می‌برند که در یک موقعیت حساس یا هنگام بروز یک مشکل، فرد یا افراد قدرتمندی هستند که می‌توان با مراجعه به آنها چالش پیش آمده را برطرف کرد. در واقع آنها به خوبی از قدرت لازم جهت حل کردن مسائل برخوردارند. شهر رم زمانی جزئی از قلمرو یکی از بزرگ‌ترین و قدرتمندترین امپراتوری‌های جهان یعنی امپراتوری روم بود. اما آیا بواسطه قدرت، سیاست و نفوذ وسیع مقامات، هنوز هم تمامی راه‌ها به رم ختم می‌شود؟ گویا بنا بر آنچه مشاهده می‌شود و در کتاب‌های تاریخ دبیرستان هم خوانده‌ایم، دیگر خبری از امپراتوری شکوهمند روم نیست. بدون شک یکی از بهترین فیلم‌ها در مورد این حکمرانی و دلایل سقوط آن، گلا دیاتور ساخته ری‌دلی اسکات است. با بازی درخشان راسل کرو که جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد را برای او به ارمغان آورد. توطئه، خیانت و حسادت درباریان منجر به قتل اعضای خانواده ژنرال ماکسیموس (راسل کرو) شده و فرمانده پیروز ارتش روم باید در پی انتقام از پسر جنایتکار پادشاه مرده امپراتوری باشد. از چه راهی؟ نبرد خونین و ظالمانه گلا دیاتورها. رقابت‌هایی که بی‌گناهان باید در آن برای حفظ جان خود و عزیزانشان و برای لذت پادشاه و درباریان مستبد، دست به شمشیر ببرند و یکی از آنها دیگری را بکشد. بی‌کفایتی پادشاهان، ناپایداری اقتصادی،

جنگ‌های بی‌شمار و بی‌حاصل و کشمکش‌های داخلی بر سر تصاحب قدرت، از دلایل فروپاشی روم بزرگ به شمار می‌روند.

